

چکیده مقالات برگزیده

سال ۱۳۸۷ (تهران)

نوع نگرش به نظام خانواده از فارابی تا صدرالمتهلین

*فاطمه علی پور

اكتساب فضایل انسانی و رسیدن به سعادت هدف اعلاى مدینه فاضله است. در مدینه فاضله است که خانواده اهمیت خود را می یابد. خانواده بعنوان کانون اصلی مدینه فاضله و محل تربیت و پرورش رئیس مدینه و شهروندان آن مورد توجه حکمای اسلامی است.

بحث تدبیر منزل بنحو خاص از فارابی آغاز گردید و در فلسفه ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی و حکمت ملاصدراى شیرازی به کمال خود رسید.

نگرش ملاصدرا به نظام خانواده و تدبیر منزل ریشه در اندیشه های دینی و نظام فلسفی او دارد. وی در این زمینه متأثر از اندیشه های فارابی است، همچنانکه ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی نیز از افکار فارابی بهره مند شده اند.

حکمای اسلامی وظایف هر یک از همسران را در خانواده تعریف نموده اند و به اوصاف مردان برتر و زنان شایسته تر پرداخته اند، بگونه ای که می توان گفت هدف تدبیر منزل در حکمت اسلامی تربیت انسانهای با فضیلت می باشد؛ مردان و زنانی که در راه رسیدن به سعادت یکدیگر را یاری می نمایند و در تربیت فرزندان با فضیلت توانمند می باشند.

روش تدبیر منزل و سیاست در حکمت صدراى برگرفته از تعالیم اسلام است؛ تدبیری که مبدعش عقل فعال و نیز عقل مصلحت اندیش بشری است.

مدیریت خانواده در اخلاق ناصری

*مریم سلگی

کتاب اخلاق ناصری بزرگترین و جامعترین کتاب فارسی در حکمت عملی است این کتاب که به قلم توانمند خواجه نصیرالدین طوسی در زمان اسماعیلیان به نگارش درآمده است، به دلایل سیاسی و اجتماعی خاص آن دوران در ابتدا دارای مقدمه‌ای بوده که هر جا بحث از امامت و یا نبوت است با اصطلاحات خاص این فرقه و مطابق مذهب آنان بوده است. بعد از فروپاشی اسماعیلیان به دست هلاکوخان خواجه مقدمه اول را حذف و به جای آن مقدمه دیگری که تفاوت زیادی با مقدمه اول دارد به این کتاب می‌افزاید.

با نگارش این کتاب نخستین اثر مهم در حکمت عملی – که نه در دوره یونانی و نه در دوره اسلامی قبل از این سابقه نداشت – پدید آمد به همین سبب فیلسوفان متأخر بر خواجه آنرا همچون الگویی در تدوین کلیات حکمت عملی به کار گرفتند از اینرو شناخت و بررسی این کتاب چه از جهت متد نگارش و چه از جهت محتوا امری مهم بنظر می‌رسد.

این کتاب از سه بخش اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن فراهم آمده است خواجه در مقدمه این کتاب آورده است که ناصرالدین محتشم قهستان ابتدا از او خواسته بود تا تهذیب الاخلاق ابوعلی مسکویه که مهمترین کتاب اخلاق عقلی در دوره اسلامی است را به فارسی درآورد اما از آنجا که از دیدگاه خواجه در این کتاب به دو فن و مهارت دیگر حکمت عملی یعنی تدبیر منزل و سیاست مدن پرداخته نشده است خواجه با افزودن این دو حکمت دانش حکمت عملی را بطور کامل در این کتاب گردآورده است بخش دوم این اثر ارزشمند به تدبیر منزل می‌پردازد و مقصود از منزل را نه خانه مرکب از سنگ و گل و ... بلکه اجتماع، اتحاد و تألیفی مخصوص میان زن و مرد و فرزندان و آنچه که در خدمت آنهاست همانند خدمتکار و ... می‌داند. او بر این باور است که مدیر خانواده با رعایت مصالح و تدبیر درست امور معاش و فراهم آوردن محیطی امن و آرام و در واقع با مدیریت کارآمد می‌تواند موجب شود که هر یک از اعضای این اجتماع کوچک به کمالی که شایسته آنهاست دست یابند او مدیریت در خانواده را نوعی آموزش و آمادگی برای مدیریت و تدبیر اجتماعات بزرگتر همانند شهر، کشور و امت می‌داند.

در این نوشتار به بررسی این کتاب گرانها و نیز بحث مدیریت خانواده از دیدگاه این حکیم مسلمان پرداخته می‌شود.

کلید واژه‌ها:

خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تدبیر منزل، حکمت عملی، مدبر منزل، مدیریت خانواده، مهارت.

هندسه مابعدالطبیعی منزل

فاطمه سلگی

فیلسوفان قدیم حکمت را دو بخش دانسته‌اند: حکمت نظری و حکمت عملی. پس از کشف سه ساحت وجودی انسان یعنی ساحت فردی، خانوادگی و اجتماعی، شرط تکامل آدمی، رشد وی در سه فن مستقل با عنوان اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن دانسته شده است. علت اینکه این سه فن به صورت مستقل و جداگانه مطرح شده در حقیقت مبانی مابعدالطبیعی و غریزی متفاوت آنهاست این در حالی است که آنچه امروز در علوم اجتماعی و انسانی مطرح می‌شود ساحت فردی و اجتماعی انسان است. دلیل اینکه تدبیر منزل در تمدن جدید بطور مستقل لحاظ نشده «دیدگاه حداکثری به اجتماع» است که علت وجود وظایف، تکالیف و حقوق خاص خانواده، در گذشته را عدم توسعه زندگی اجتماعی می‌داند و بر این باور است که در حال حاضر با وجود تحقق این اجتماع بزرگ، آن وظایف، تکالیف و حقوق به اجتماع انتقال یافته است.

در این مجال به اثبات بحث تدبیر منزل بعنوان یکی از وجوه مستقل از ساحت فردی و اجتماعی بشر پرداخته شده و نیز این مسئله که قائل شدن یا نشدن به استقلال این ساحت پیامدهای کاملاً متفاوتی را در پی خواهد داشت. حل این مسئله در گرو تبیین ریشه طبیعی زندگی خانوادگی است که همه فروع دیگر را حل خواهد کرد.

کلید واژه‌ها:

تدبیر منزل، منزلی بالطبع، وجود اصیل و عینی محبت و عاطفه، رابطه اتحادی.

جایگاه تدبیر منزل در سعادت خارجی

محمد رضا پاک

صدرالمتألهین خانواده را کوچکترین بخش کالبدی چرخهٔ اجتماع معرفی کرده است که سعادت جامعه به تعالی آن بستگی دارد و با تقسیم سعادت به سعادت دنیوی و سعادت اخروی؛ سعادت دنیوی را به دو قسم سعادت بدنی و خارجی تقسیم نموده است و تدبیر منزل را جزء مهمترین بخش سعادت خارجی قرار داده است.

در نوشته‌ای که ارائه می‌شود دیدگاه صدرالمتألهین در چارچوب اندیشه‌های فلسفی او بر مبنای روایات اهل بیت (ع) و قرآن، نظام خانواده و چگونگی تدبیر آن براساس محورهای اصلی زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. انسان اجتماعی در دیدگاه صدرالمتألهین.
۲. مفهوم سعادت در دیدگاه صدرالمتألهین.
۳. سعادت خارجی.
۴. تدبیر منزل در زندگی شخصی صدرالمتألهین.

تدبیر خانواده در حکمت عملی و رابطه نفس و بدن در حکمت نظری

مرتضی پویان *

نظر به آنکه صدرالمآلهین شخصاً به مسئله تدبیر خانواده در آثار خود نپرداخته است، می‌بایست برای وصول به مبانی تدبیر خانواده در حکمت متعالیه متوسل به حکمت نظری این تفکر شویم. از آن جهت که حکمت نظری مقدمه برای ورود به حکمت عملی است، یک رابطه ضروری بین این دو حکمت وجود دارد. در واقع حکمت عملی به حکمت نظری برمی‌گردد.

در این مقاله قصد داریم که با توجه به این رابطه ضروری و با قیاس مسئله تدبیر خانواده در حکمت عملی با رابطه نفس و بدن در حکمت نظری، مبانی تدبیر خانواده را در حکمت عملی حکمت متعالیه به دست آوریم.

کلید واژه‌ها:

مدبّر و خانواده، انسان مدنی الطبع، تدبیر خانواده، آثار مدبّر.

خانواده و ابعاد آن در اندیشه حکیم صدرایی در حوزه علم و عمل امام خمینی (ره)

محمد اسماعیل زاده^x

دوره جدید و مدرن تفکر در غرب، با سودای غلبه طبیعت، توانست تحولاتی عظیم و گسترده در همه جوانب زندگی انسان ایجاد کند و گسترش تصاعدی تکنولوژی بارزترین نمونه آن است. اما این نقطه قوت و خدمت به بشریت در جایی ویرانگر شد و آن زمانی بود که فرهنگ و تفکر غربی به تکنولوژی پیونده زده و به پیوست آن تبلیغ و صادر می شد. غربی که مولد تکنولوژی بود چنین تلقین می کرد که گسترش و کسب تکنولوژی جدید و بهره گیری از آن، مستلزم و فرع بر تبدل دیگر فرهنگها به فرهنگ غربی است.

با این تلقین، تکنولوژی که ضرورت معاش مردم بود، به هر جامعه ای که پا نهاد مخرب فرهنگ و تمدن سنتی آن قوم شد و این حکما آن جامعه را بر آن می داشت تا به دفاع از سنت و ریشه های کهن فرهنگ خود برخیزند، ضرورتی که همواره تا چنین تلقی ای پیرامون تکنولوژی وجود دارد، از بین نخواهد رفت. کشور ما ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. بر فرهیختگان جامعه ما لازم است که برای دفاع از سنت غنی ایرانی - اسلامی جامعه در برابر این وجه مخرب کمر همت بندد و این زمانی میسر است که نقاط قوت فرهنگ خودی به جامعه نمایانده شود، و معضلات و پرسشهای ناشی از فرهنگ غربی و تکنولوژی بر سنت فکری ما عرضه و پاسخ مناسب به آنها داده شود.

مقاله حاضر تلاش می کند وجه تخریبی عامل فوق در «خانواده» بعنوان مبنایی ترین نهاد اجتماعی را بر فرهنگ خودی عرضه کند تا از خلال بررسی تحلیلی الگوی مناسب خانواده مدرن اسلامی معرفی گردد. در این راستا، از سنت فکری ایرانی - اسلامی حکمت متعالیه و بطور اخص اندیشه امام خمینی بعنوان فیلسوفی از این مکتب که فیلسوفی عملی است و توانست دیدگاههای فلسفی را در محیط پیرامون خویش عملی سازد، انتخاب شده است، تا با تحلیل دیدگاههای نظری و رفتارهای عملی ایشان، به الگویی متناسب با فرهنگ خودی برای خانواده های جامعه اشاره شود.

* تدریس، پژوهش، مشاور معاونت پژوهشی حوزه های علمیه خاوران

تدبیر خانواده در آثار ملاصدرا

* مهدی ناصحی

برای اندیشمند مسلمان که فلسفه‌اش بر پایه اصالت وجود، وحدت وجود، مبدأ و معاد و عقل و عرفان و اشراق استوار گردیده و هدفش رسانیدن خلق به جوار باری تعالی است، و قصد دارد آنان را به سعادت لقای حضرتش نایل گرداند، چنین انتظار می‌رود که بنیان خانواده را مرصوص ترسیم کند و مشوق ارزشها و اعتقادات راسخ بعنوان پوشش مستحکم و غیر قابل نفوذ باشد. طبیعی است برای داشتن مدینه‌ای فاضله در دنیای حقیقی و آخرتی پر ثمر، در گام نخست باید مدیریت و کیاست قابل و توانا در خانواده بوجود آید. اگر تفکر فلسفی می‌تواند تفکر قوم را غنا ببخشد نباید از آن غفلت کرد؛ در جهت چنین مقصودی قطعاً حکمت متعالیه می‌تواند نقش بنیادی ایفا کند.

آراء ملاصدرا در حکمت عملی نسبت به فلاسفه دیگر، کمتر جلوه و ظهور یافته است؛ دلیل این امر یکی توجه گسترده و عمیق ملاصدرا به حکمت نظری بوده است، دومین دلیل آن است که زمینه تحقیق در این مورد (حکمت عملی) کمتر صورت گرفته است و از اهمیت موضوع غفلت شده است؛ وگرنه اقتدار و جایگاه موضوعات حکمت عملی که همان اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن است در آثار او کاملاً ریشه دوانده است.

یکی از برجستگی‌های حکمت عملی ملاصدرا این است که بر خلاف صوفی‌مسلمانان در مقام جدا کردن غیب و شهادت، عقل و شهوت، دنیا و آخرت، معقول و محسوس و دین و سیاست، برنیامده است. وی در حالیکه با بصیرت عرفانی به مذمت دنیا می‌پردازد، صراحتاً به ضرورت وجود دنیا در حیات انسان اذعان دارد؛ چرا که دین و دنیا، دو نشئه از نشآت وحدت شخصی حقیقی انسان بشمار می‌روند. او همچنین انسان را تنها و منزوی نمی‌بیند، بلکه یکی از مظاهر حقیقت انسان را جمع زیستی می‌داند و به اجتماع جهانی کامل و اجتماع محلی غیر کامل که هسته اولیه آنها خانواده است؛ چشم می‌دوزد. خانواده‌ای که فرزندان آن در آینده هر کدام مدبری خواهند بود و تأکید بر تهذیب افراد هم ناشی از آن است که نسل انسان باید استمرار داشته باشد.

بیشترین آراء ملاصدرا در باب «تدبیر منزل» در مشهد پنجم از کتاب الشواهد الربوبیه آمده است. ملاصدرا امرار معاش در دار دنیا را از ضروریات امر معاد می‌داند، و غذا و مسکن و لباس و سایر ضروریات را برای بقای شخص از جمله اسبابی می‌داند که حافظ و نگهبان وجود انسانها و دافع فساد و تباهی آنان می‌شود. وجود نیروی خشم و غضب را هم برای دفع موانع اکل و شرب و استراحت می‌داند؛ وجود عشق، شهوت و عفت را در حد اعتدال لازم می‌داند و در نتیجه قتل نفس، زنا و لواط را که سبب تشویش و اختلال انساب

می‌گردد، نفی می‌کند. باید اعتراف کنیم که بسیاری از عوامل و تحولات در طول زمان موجب تزلزل بنیان خانواده شده و ضروری است تحت لوای نظام فطری مبتنی بر کرامتها و شعور والای انسانی، و از طریق تعاطی افکار اندیشه‌وران، در صدد یافتن الگوهای سازنده و مفید و بزرگ باشیم تا راهی روشن پیش پای آیندگان گشوده شود.

کلید واژه‌ها:

حکمت، حکمت متعالیه، حکمت عملی، تدبیر منزل، صدرالمتألهین (ملاصدرا).

تدبیر منزل در حکمت متعالی

حسین اربابون

*

در منش قرآن و عقل دو محور برای تدبیر منزل پیشنهاد شده است اول محور عاطفه و محبت، دوم محور حق و قانون. این دو محور هرچند هر دو، مورد رضایت شرع و عقل است، ولی هر دو آنها به یک اندازه ارزشمند نیستند و هر دو باهم و در یک زمان در خانواده حاکمیت پیدا نمی‌کنند بلکه عامل اصلی و ابتدایی که خانواده هم براساس آن شکل می‌گیرد، محبت است و چنانچه محبت بین اعضای خانواده نتواند امور آنان را اداره نماید و اصطلاحاً طلاق عاطفی بوجود آید، برای جلوگیری از آشفتگی و سردرگمی خانواده، اسلام بعنوان راهی برای خروج از بن بست محور قانون را پیشنهاد می‌کند که هرچند برخلاف محور اول، رضایت همه اعضای خانواده را جلب نمی‌کند و یک طرف اعمال شده قانون، همواره خود را قربانی و مغدور می‌داند. بنابراین اگر حکمی را بپذیرد و اجرا نماید، از سر جبر است نه رضایت خاطر. البته ممکن است غیر از این دو محور، عامل سومی در خانواده حاکمیت پیدا کند و آن خشونت و قهر است که از دید شرع و عقل، جدایی و طلاق بهتر از آن است.

حال هر یک از این محورهای سه‌گانه با توجه به ارتباط و وابستگی حکمت عملی با حکمت نظری در فلسفه، دارای مبنا و اساسی است هماهنگ با نظام حاکم بر جهان هستی صدرالمتألهین شیرازی به تأثیر از شیخ اشراق، عامل ارتباط بین موجودات را «عشق» می‌داند، عشقی که سرچشمه آن، عشق وجود مقدس خداوند به ذات خود بوده و در تمام مراتب وجود سریان و جریان دارد. بعقیده ملاصدرا این «عشق» از «علیّت» که فلاسفه مشا بعنوان عامل ارتباط بین موجودات معرفی می‌کردند، کاملتر و به حق نزدیکتر است.

در این مقاله سعی می‌شود عقاید فیلسوف گرانسنگ جهان اسلام «ملاصدرا» درباره عامل ارتباط بین موجودات، در آثار فلسفی و همچنین تفسیری‌اش معرفی و مورد تحلیل قرار گیرد تا بروشنی معلوم گردد: در حکمت عملی و در بخش تدبیر منزل کدام عامل به نحو کاملتر و مؤثر تر در تحقق سعادت و کمال جامعه انسانی محور قرار گیرد.

الگوی متعالی نظام خانواده در حکمت و عرفان اسلامی

*آردشیر محمودی

با طلوع اسلام هویت الهی و انسانی بشر از حیث فردی و اجتماعی دوباره احیاء شده و قوا و استعدادهای او که در پس غبار جهل و نادانی مستور مانده بود، دوباره با نور توحید روئید و به فعلیت رسید. در اسلام نظام خلقت بر طبق الگوی توحیدی از «وجود یگانه حضرت حق» تنزل یافته است، بر این اساس ماهیت امور ریشه در «وجود» واحدی دارد، که مابه‌الاشتراک و مابه‌الاختلاف امور به آن رجوع دارد. از اینرو همه عناصر خلقت، از جمله عناصر مذکر و مؤنث که بنیان نظام خانوادگی را تشکیل می‌دهند، در خدمت ظهور امر توحیدند. بعنوان نمونه عنصر مذکر حیث «فاعلی» و عنصر مؤنث حیث «قابلی» وجود حق را نمایان می‌سازند. از اینرو تنظیم نظام خانوادگی در اسلام، از حیث ایفای نقش مدیریت داخلی و خارجی، نحوه تعامل دو جنس در برپایی سنت ازدواج و کیفیت تعلق حقوق به آنها در شرع و ... ریشه در کیفیت آفرینش این دو جنس و ایفای نقش آنها در نظام خلقت دارد. نظام احسن آفرینش هنگامی به ظهور می‌رسد که دو موجود با کشش‌های وجودی متفاوت «وحدت» را که سرچشمه همه زیبایی‌هاست، بظهور برسانند. عرفان و حکمت اسلامی تجلی و ترجمان این وحدت است، در این علوم دوئیت‌ها و توهمات از میان رفته و وحدت عالم در عین کثرتش خودنمایی کرده و هر چیز در محل تکوینی خویش جای گرفته و ایفای نقش می‌کنند. از اینرو بررسی عناصر مؤنث و مذکر در معارف حکمی می‌تواند ما را به الگوی نظام خانوادگی اسلامی رهنمون سازد.

مقاله حاضر به بررسی تکون نظام خانواده در پرتو تفکر توحیدی و وجودی اسلام و مقایسه اجمالی با الگوی نظام خانواده در غرب خواهد پرداخت.

کلید واژه‌ها:

توحید، وجود، مذکر، مؤنث، حکمت و عرفان اسلامی، خانواده.